

فصلنامه علمی ریاضت فرهنگ دینی

جایگاه مدیریتی پدر در خانواده از منظر قرآن و روایات

سید عبدالرسول حسینی نودادی^۱ و حمید جعفری منش^۲

۲۱

دوره جدید، سال ۶، شماره ۱،
پیاپی ۲۱، بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱/۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۳/۳۱
صص: ۱۰۵-۸۳

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۴۷۵
الکترونیکی: ۷۴۴۵-۴۷۴۲



چکیده

خانواده اولین و کوچکترین کانون زیستی اجتماعی است که خداوند متعال برای انسان در نظر گرفته است. لازمه درکنارهم، زیستن در نظر گرفتن حقوق هم‌زیست در کانون اجتماعی است. در خانواده نیز این‌گونه است. آنچه تأمین‌کننده رعایت حقوق تک‌تک افراد جامعه و در بعد کوچکتر آن خانواده است وجود رکنی به نام مدیر در آن جامعه است که در پرتو وجود آن ضمانت رعایت حقوق و اجرای قوانین مربوط به همه افراد عملی می‌شود. پدر به عنوان مدیر خانواده عهده‌دار رعایت حقوق و تضمین اجرای قوانین در همه ابعاد خانواده است. در این مقاله تلاش شده است که با روش تحلیلی-توصیفی، با تتبع در منابع تفسیری و روایی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم افزاری، جایگاه مدیریتی پدر در خانواده را مشخص نموده و تفاوت آن با مدیریت مادر از زمان تشکیل خانواده تا زمانی که فرزند تحت تکفل پدر است و عضو آن خانواده محسوب می‌شود را مشخص نماید.

کلیدواژه‌ها: فرزند، والدین، خانواده، مدیریت، قرآن، روایات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته سطح ۴ و استاد حوزه علمیه قم (مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن)، پست الکترونیک:

sarasulhoseyni@gmail.com

۲. پژوهشگر و دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

مقدمه

یکی از مسائل مهم در خانواده «روش مدیریت» است. خانواده، کانونی است که چگونگی اعمال مدیریت در آن در شکل‌گیری و رشد شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان و نیز در احساس رضایت از زندگی و خوشبختی آنان اثر می‌گذارد. برخی پژوهش‌ها^۱ نشان می‌دهد که در ۴۰ درصد از خانواده‌های تحت مشاوره که خانواده‌های «مرزی» نامیده می‌شوند، مبارزه قدرت وجود دارد. به این جهت، ساختار قدرت و مدیریت کارآمد در خانواده و آموزش صحیح آن در استحکام و بالندگی خانواده نقشی اساسی خواهد داشت.

بیان مسئله

از آیات قرآن کریم برمی‌آید، همان‌گونه که جامعه به حکومت و مدیریت نیاز دارد، خانواده نیز بی‌نیاز از حاکمیت و مدیریت نیست و در اسلام، این مهم غالباً به پدر خانواده واگذار شده است؛ اما پدرسالاری مطلق، مدارسالاری بی‌ضابطه و نیز فرزندسالاری بی‌مهاری مورد پذیرش اسلام نیست؛ بلکه قرآن، کارآمدی خانواده را در گرو ولایت و مدیریت پدر مقتدر صالح و نیز پیروی سایر اعضای خانواده از وی می‌داند.

آنچه امروزه در میان برخی از خانواده‌ها مشاهده می‌شود، مبارزه و مسابقه نفس‌گیر تصاحب قدرت در کانون خانواده است که سوغات زندگی صنعتی و سبک زندگی غربی بوده و با هدف فروپاشی خانواده، زنان و مردان را به این عرصه کشانده است، به گونه‌ای که هریک از زن و شوهر می‌کوشد با استبداد رأی و تحکم، اقتدار خود را به رخ دیگری بکشد. همین مسئله موجب ناسازگاری‌ها و تنش‌های بیهوده و دامنه‌دار در خانواده شده است و نتیجه اش تربیت ناشایست فرزندان، ظهور مشکلات اخلاقی و در نهایت، خطر جدایی والدین از یکدیگر است.

در دنیای امروز برای مهار اختلافات زن و شوهر در خانواده، رفته رفته قوانین، جای اخلاق را می‌گیرد و در پی آن، هرچه انسان قانون می‌نویسد، حق به شمار می‌آید و آنچه دین و اخلاق می‌گوید، بی‌ارزش و فاقد اهمیت تلقی می‌گردد (گاردنر، ۱۳۸۷).

از نگاه ادیان آسمانی، به ویژه آیین نجات بخش اسلام، خانواده بسان سازمان اخلاق، مهد بالندگی و کانون رشد و تعالی است و باید میدان شکوفایی استعدادهای خدادادی باشد تا از این مسیر، هر یک از والدین و

۱. سعیدیان، فاطمه، بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

فرزندان به کمال انسانی و اخلاقی خود نایل شوند؛ نه آنکه پیوسته بر سر رسیدن به قدرت و حکومت در خانواده به نزاع بپردازند. این نوشتار به دنبال این است که با توجه به آیات و روایات با بررسی ساختار خانواده و نیاز مدیریتی آن نوع مدیریت صحیح را ارائه کرده و بگوید چگونه می‌توان مدیریت فرزند را در دورانی که تحت تکفل پدر است در خانواده پیش برد؟

ساختار قدرت در محیط خانواده

منظور از «ساختار قدرت در خانواده»، الگوهای تصمیم‌گیری زن و شوهر در در خانواده است. (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶). این ساختار در جامعه شناسی خانواده به طور کلی به دو دسته «اقتدار گرایانه» و «دموکراتیک» تقسیم می‌شود (ظهیری، ۱۳۸۹). لیکن آنچه در قرآن و حدیث درباره سلسله مراتب و ساختار قدرت در خانواده وجود دارد، مدیر، نه اهل استبداد و زورگویی است و نه به تمام معنا تابع نظرات اعضای خانواده؛ بلکه در کنار هم‌فکری با اهل خانواده در چالش‌ها، حق ولایت و اعمال قدرت در اختلاف‌ها و تصمیم نهایی با اوست؛ البته پدر باید در مدیریت خود از اصول «معاشرت معروف»،^۱ «عدالت»^۲ و «مشورت»^۳ پیروی کند تا زمینه استبداد و اجرای قوانین خودساخته از سوی وی برچیده شود و آرامش و سلامت بر محیط خانواده حاکم گردد.

اسلام از طریق تلفیق قدرت با ویژگی‌های اخلاقی همچون فروتنی، مهرورزی و گذشت، رابطه زن و شوهر را تا جایی که امکان دارد، تلطیف نموده، از تبدیل شدن آن به رابطه‌ای زورمندانه جلوگیری می‌کند (بستانی، ۱۳۷۵).

خانواده نیازمند مدیریت

از آنجا که «خانواده، نهادی اخلاقی و سازمانی طبیعی جهت تعالی و کمال انسان» است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق.) و از طرف دیگر، وجود چالش‌های پیش روی خانواده‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی نمی‌شود

۱. نساء / ۱۹.

۲. نساء / ۳.

۳. بقره / ۲۳۳.

بدون مدیر و سرپرست باشد؛ چون نهاد خانواده مانند تمام نهادهایی که روابط انسانی بر آن حاکم است، نیازمند الگویی برای تنظیم روابط است و بدون وجود یک نظام مشخص راهبری، تأمین اهداف و مصالح زناشویی و تربیت فرزند غیرممکن می‌نماید.

علت سومی نیز برای ضرورت مدیریت یک فرد در مناسبات خانواده وجود دارد که عبارت است از «دوام و استحکام بنیان خانواده»؛ به این معنا که اگر مسئول و مدیر خانواده به طور مشخص معین نگردد، اختلاف و کشمکش‌های روزمره موجب قهر، نارضایتی و جدایی زوجین می‌گردد؛ اما اعطای مدیریت خانواده به فردی معین و تمکین طرف مقابل، زمینه‌های اختلاف و تنازع را از بین می‌برد و با ایجاد انسجام و رضایت میان زوجین، دوام و استحکام بنیان خانواده را تضمین می‌کند.

شهید مطهری، در تبیین خاستگاه نیاز به مدیریت در خانواده به نظریه «پیوند فطری» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «نقش سرپرستی مرد در خانواده عامل مهمی برای استحکام خانواده است که با تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، به ویژه میل (فطری) مرد به تسلط بر جسم زن و میل (فطری) زن به تکیه بر مرد و حمایت شدن از سوی او انطباق دارد و در جهت ارضای نیازهای عاطفی متقابل عمل می‌کند»^۱.

نویسنده کتاب «روح زن» نیز با نگاه روانشناسی به طبیعت زنان می‌گوید: «زن طوری آفریده شده است که باید وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنازی و عشوه‌گری کند. به همین دلیل، اگر تکیه‌گاهش را نیابد و به تحمل و جلوه‌گری خود ادامه دهد، دوام نخواهد آورد و نابود می‌شود؛ چراکه زن همچون بوته نیلوفری است که طالب چوب خشک یا دیوار صافی است تا آن را از گل و سبزه بیوشاند؛ اگر چنین چوب و دیواری را نیابد خشک و نابود خواهد شد» (لمبروزو، ۱۳۶۹).

یافته‌های علمی حکایت از آن دارد که بین ساختار قدرت پدرمحور در خانواده، با تمام مؤلفه‌های کارآمدی خانواده ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی هراندازه ساختار قدرت خانواده به سمت پدرمحوری ارتقا یابد، دوام ازدواج‌ها، رضایتمندی و خوش‌بینی‌ها، نقش‌ها و مرزها، مدیریت‌های مالی صحیح، فرزندپروری‌ها، واقع‌بینی و اعتمادها، مسئولیت‌پذیری‌ها، جهت‌گیری‌های مذهبی و صمیمیت و همدلی افزایش می‌یابد (زارعی توپ‌خانه، ۱۳۹۲).

علت افزایش نمره این مؤلفه‌ها آن است که مدیریت و ولایت پدر در کانون خانواده، موجب پرورش فرزندان رشدیافته می‌گردد؛ چون «در خانواده‌ای که پدر نقش مادر و مادر نقش پدر را ایفا می‌کند، فرزندان

۱. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد، ص ۱۵۱.

بیمار تربیت می‌شوند. مادری که سعی دارد اقتدار پدر را جبران کند، گاهی نه پدر و نه مادر است و نیز اگر پدری نقش یک مادر مهربان را به خود بگیرد؛ هم نقش مادری را تضعیف می‌کند و هم جایگاه پدری را در نظام روانشناختی فرزند متزلزل می‌سازد. بنابراین، چنین کودکانی؛ چه دختر و چه پسر، در نقش جنسی خود ضعیف عمل می‌کنند» (همان).

در خانواده‌هایی که پدر غایب است یا نقش ضعیفی دارد، پسرها احتمالاً با بزرگ‌ترین آسیب‌ها مواجه هستند؛ زیرا یا بیش از اندازه توسط مادر حمایت می‌شوند و یا این تصور برایشان پیش می‌آید که زن بر تمام امور و اجتماع مسلط است و مرد هیچ نیست (ستیر، ۱۳۹۱). از این رو، به منظور پرورش صحیح فرزندان، تفکیک دو نقش اجرایی و احساسی، عاطفی (مرد در نقش رهبری اجرایی و زن در نقش رهبری عاطفی) جهت کارآمدی خانواده، ضرورت دارد.

دلایل اثبات مدیریت پدر به عنوان سرپرست

با نگاه به آموزه‌های دینی در کنار تأملات عقلی، به این نتیجه می‌رسیم که جایگاه تصمیم‌گیری در خانواده از آن پدر می‌باشد. در نتیجه بیشتر تصمیم‌های مهم در زندگی خانوادگی باید به وسیله وی اتخاذ گردد دلایل این ادعا به شرح ذیل است:

۱. قرآن کریم

از میان آیات، دو آیه به طور مستقیم به رابطه حقوقی زن و مرد پرداخته اند و دلیل محکمی برای اثبات مدیریت پدر در خانواده هستند، که در سطور ذیل ذکر می‌کنیم:

الف. قیومیت مرد بر زن: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً»^۱

از مجموع سخنان مفسران و اهل لغت و با تدبر در معنای واژه «قوامون» چنین بر می‌آید که معنای قیومیت بر دیگری عبارت است از: «تکفل شئون او به همراه اشراف و تدبیر وی» (رحمانی، ۱۳۹۱).

ولایت مرد بر زن و فرزندان که از آن به سرپرستی و مدیریت یاد می‌شود. «رئیسها و کبیرها و الحاکم علیها و مؤدبها» (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق.). اکثر مفسران فریقین در معنا و دلالت آیه فوق معتقدند: این آیه شریفه اداره شئون زناشویی و تدبیر امور زن در چارچوب حقوق و تکالیف زناشویی را به مردان واگذار نموده است (رحمانی، ۱۳۹۱). این همان سرپرستی و ولایت مرد بر همسر و فرزندان در خانواده است.

لازم است بدانیم که خدای متعال در این آیه زنان را در قبال جایگاه بالاتر مردان در خانواده، به دو گروه مطیع و نافرمان تقسیم نموده و به مردان، شیوه و مراحل برخورد با همسر نافرمان را ارائه می‌دهد؛ یعنی موعظه، دوری نمودن و در نهایت تنبیه، نشان از جایگاه بالاتر مرد نسبت به همسرش دارد، در حالی که طبق آیه ۱۲۸ همین سوره، اگر شوهر نسبت به وظایف خود در قبال زن کوتاهی کند، زن اجازه ندارد که با شوهرش برخورد داشته و او را تنبیه نماید؛ بلکه این امر به عهده حاکم شرع است که نسبت به مرد جایگاه بالاتری دارد.

البته این مطالب، به معنای پایین بودن جایگاه زنان و سلب اختیار از آنان نیست. علامه طباطبایی ذیل آیه مورد نظر، تلویحاً نگرش بسیار منفی فمینیست‌ها به «مدیریت پدر» را نقد می‌کند و یادآور می‌شود که: «معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافع سلب کند، پس زن هم استقلال و آزادی خود را دارد و هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف هایش و مقدمات آن متوسل شود»^۱.

ب. تفاوت مرد و زن: قرآن کریم در این آیه چنین بیان می‌کند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲.

بنا بر گزارش لغت‌شناسان از مفهوم و معنای «درجه»، معلوم می‌شود که در آن تفوق و علو اخذ شده است و این برتری در درجه و رتبه حقوقی مرد بر زن را اثبات می‌کند؛ البته به عقیده اکثر مفسران، منظور از درجه در اینجا، وجوب اطاعت زنان از همسران خود و قوامیت مرد است، نه بیشتر از آن (رحمانی، ۱۳۹۱).

ج. حفظ خانواده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ»^۱. شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد مخاطب این آیه، مردان هستند و در نتیجه، بر اساس آیه فوق، مردان نسبت به زنان مسئولیت دارند و این مسئولیت از جایگاه بالاتر مردان در خانواده حکایت دارد.

۱. موسوی، محمد باقر. ترجمه تفسیر المیزان، ص ۵۴۴.

۲. بقره / ۲۲۸.

شاهد نخست، واژه «أَهْلِيكُمْ» است که منظور از آن، همسران و فرزندان یک مرد است بنابراین مخاطب آیه مردان هستند.

شاهد بعدی، سیاق آیات است. در آیات قبل، خدای متعال پس از تأدیب همسران پیامبر(ص)، خطاب را متوجه عموم مؤمنان نموده و به آنان فرمان می‌دهد که به تعلیم و تربیت زنان خود بپردازند. شاهد دیگر روایاتی است که ذیل این آیه مطرح گردیده و از مردانی گفته است که پس از نزول آیه مذکور، از سنگینی مسئولیت خانواده گریه کردند، یا نگران هدایت خانواده خود بوده و از کیفیت این وظیفه سؤال نمودند، در حالی که در هیچ یک از روایات، چنین مسئولیتی را برای زن احساس نکرده و سخنی نگفته‌اند(ترکاشوند، ۱۳۹۲).

۲. روایات

بررسی روایات وارده از پیشوایان معصوم، نیز این مسئله را تأیید می‌کند که سلسله مراتب مدیریتی در خانواده لازم است و پدر باید دارای نوعی تسلط بر امور خانواده باشد و اطاعت زن از او حق وی شمرده شده است که این همان بازتاب قوامیت مرد در خانواده می‌باشد. چند مورد از این روایات را در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف. امام باقر(ع) فرمود: زنی نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه از شوهر فرمان ببرد و از وی نافرمانی نکند و از خانه شوهر چیزی جز بی اجازه او صدقه ندهد و جز با اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از تمکین برای شوهر سرنیچد؛ گرچه بر پشت مرکب سوار باشد و از خانه شوهر جز با اجازه او بیرون نرود(کلینی، ۱۴۱۷ق).
این روایت از نظر سندی صحیح و موثق است و از نظر دلالت، اصل و جوب اطاعت زن از شوهر و لزوم عدم نافرمانی وی را اثبات می‌کند.

ب. امام صادق(ع) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ مَلَكَه نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۷ق).

این روایت نیز به مسأله قوامیت مرد تصریح نموده و ترغیب به نیکو رفتار کردن با زن و... کنایه از اقتدار مرد و سلطه و تفوق اوست.

ج. امام باقر(ع) فرمود: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) «يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى ظَهْرِ الْمَدِينَةِ، عَلَى جَمَلٍ عَارِيٍّ الْجِسْمِ فَمَرَّ بِالنِّسَاءِ فَوَقَّفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَأَطِيعْنَ أَزْوَاجَكُنَّ فَإِنَّ أَكْثَرَكُنَّ فِي النَّارِ» (همان).

در این روایت، تکلیفی بر عهده زنان گذاشته شده که ترک آن موجب استحقاق عقوبت اخروی است و زبان روایت با جمله «أَطِيعْنَ أَزْوَاجَكُنَّ» امر است که دلالت و ظهور در وجوب اطاعت زن از مرد دارد و چون به مورد خاصی مختص نشده، اطلاق دارد.

روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که صریح و یا ضمنی به ولایت و سرپرستی مرد در خانه و خانواده دلالت دارند. از جمله روایات^۱ «نهی از اطاعت زنان و مدیریت آنان»، «مسئولیت مردان در قبال همسر»، «اجازه زن از مرد در مواردی»، «بطلان نذر زن بدون اجازه شوهر»، «توصیف زنان خوب و بد»، «پاداش یا عقاب در قبال همسر»، «نهی زنان از نافرمانی مردان و دستور به اطاعت از شوهر» و... که هر یک از آنها به روشنی حکایت از آن دارد که نافرمانی از شوهر در کنار برخی از محرمات الهی، مخالفت با خواست خدا محسوب می شود و این، نشانگر ولایت و مدیریت پدران در خانواده است.

عوامل اقتدار، مدیریت پدر

پس از اثبات مدیریت و ولایت پدر در کانون خانواده از نگاه قرآن و روایات، سؤال مهم این است که: چه عواملی اقتدار و مدیریت وی در خانواده را اثبات می کند؟ و چرا فقط پدران باید مدیریت کانون خانواده را به دست بگیرند و چرا برای مادران از این موقعیت سهمی نیست؟

در پاسخ به این پرسش ها نظریات متعددی ارائه شده است که هر کدام از منظری خاص به تبیین مسئله پرداخته اند. برخی با نگاه زیست شناسانه، قدرت بدنی و توانایی های جسمی پدران را منشأ سلطه و اقتدار آنها دانسته اند. برخی دیگر با پیروی از نظریات روان شناختی، مهارت های ذهنی و ویژگی های مسئولیت پذیری را عامل اقتدار پدر در خانواده تلقی نموده اند و گروهی دیگر از دریچه نظریات جامعه شناسی، مسئولیت اقتصادی را علت اقتدار و مدیریت مردان می دانند (بستانی، ۱۳۷۵).

۱. ر.ک: مقاله، الگوی سلسله مراتب قدرت در خانواده، فصلنامه علوم حدیث، دار الحدیث، ش ۷۰.

با تأمل در نوع احکام و توصیه‌های اسلام، درمی‌یابیم که عوامل زیستی، روانشناختی و جامعه‌شناختی یاد شده مورد تأیید اسلام نیز می‌باشد. به عنوان نمونه، در قرآن کریم آمده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۱.

این مسئله در دنیای امروز بیش از هر زمان روشن است که اگر هیئتی (حتی یک هیئت دو نفری) مأمور انجام کاری شوند، حتماً باید یکی از آنها «رئیس» و دیگری معاون یا عضو باشد. در غیر این صورت، در کار آنها هرج و مرج پدید می‌آید. سرپرستی مرد در خانواده نیز از همین قبیل است؛ زیرا خصوصیات در مردان موجود است که در زنان نیست. مانند: ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بهره مند است) و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیش‌تر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید.

علاوه بر این، تعهد مرد در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداخت هزینه‌های زندگی و مهریه و تأمین زندگی آبرومندانانه همسر و فرزندان، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده وی باشد؛ البته ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود امتیاز داشته باشند؛ ولی قوانین نوع و کلی را در نظر می‌گیرد و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیش‌تری دارند؛ اگرچه زنان نیز وظایفی می‌توانند به عهده گیرند که هم مرد نمی‌تواند آنها را به آن سان که زنان انجام می‌دهند، بر عهده گیرد و هم اهمیت آن مورد تردید نیست.^۲

پیداست که سپردن این وظیفه به مردان، نه دلیلی بر بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه سبب امتیاز آنها در این جهان و جهان دیگر؛ همانطور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه‌های مختلفی بیش‌تر باشد؛ اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده، از معاون خود شایسته‌تر است.^۳

از نگاه قرآن، تفاوت جسمی و روحی مرد و زن از یک سو و وجوب نفقه زن بر مرد از سوی دیگر، زمینه ساز اعطای حق مدیریت خانواده به مرد و وجوب اطاعت زن از مرد در اداره امور خانوادگی است؛ اما باید توجه داشت که بی‌تردید، ریاست مرد بر زن، مطلق نیست؛ بلکه محدود به مقررات شرعی و اخلاقی و

۱. نساء/ ۳۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰.

۳. همان: ص ۳۷۱.

مقید به شرایطی است، از جمله رعایت حقوق متقابل زن و وظایف مشترکی که هر یک از مرد و زن در تحکیم بنیاد خانواده بر عهده دارند.

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»^۱ گفتنی است که رعایت حق ریاست شوهر آنقدر اهمیت دارد که بر پایه شماری از روایات، یکی از عوامل بهشتی شدن زن شمرده شده است. مانند آنجا که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هرگاه زن، پروردگارش را بشناسد و به او و پیامبرش ایمان بیاورد و به برتری خاندان پیامبرش معتقد باشد و پنج نوبت نماز بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و دامنش را (از گناهان) حفظ کند و از شوهرش فرمان ببرد، (در روز قیامت) از هر در بهشت که خواست، وارد آن می شود.»^۲

همچنین فرمود: «هیچ زنی نیست که فرمان شوهرش را اطاعت کند و حقوق او را به جا آورد و از خوبی‌های او یاد کند و در خود و اموال شوهرش به او خیانت نکند؛ مگر آنکه در بهشت میان او و شهیدان تنها یک درجه فاصله باشد. پس اگر شوهرش مؤمن و خوش اخلاق بوده، در بهشت نیز همسر اوست، وگرنه خداوند مردی از شهیدان را به همسری او در می آورد.» (متقی هندی، ۱۴۱۷ق.).

پیامد های نظارت ضعیف پدر و مادر

پدر و مادر درباره همه کارهای فرزندان باید احساس مسئولیت کنند و هیچ کاری را بی نظارت نگذارند. در مواردی، خودشان باید به صحنه اجرا بیایند و وظیفه خود را ایفا کنند. حتی وقتی پسر و دختر بزرگ می شوند و در سن ازدواج قرار می گیرند، پدر و مادر نباید به آنان بی توجه باشند. روایات مرتبط با موضوع ازدواج نیز به این گونه مسائل تصریح دارد. مخاطب معصومان (ع) در این زمینه خانواده‌ها هستند و آن‌ها به فراهم آوردن مقدمات ازدواج فرزندان، مأمور شده‌اند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «سه چیزی از حقوق فرزند بر پدر است: نام نیک برایش انتخاب کند، به او نوشتن پیاموزد، و زمانی که به کمال رسید، زمینه ی ازدواج او را فراهم کند» (فتال نیشابوری، بی تا).

در جای دیگر، حضرت فرمودند: «از حقوق فرزند بر پدرش این است که وقتی به کمال و بلوغ لازم رسید، با ازدواج، عفت جنسی او را فراهم آورد» (نوری، ۱۴۱۴ق.).

۱. بقره/ ۲۲۸.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۳؛ من لا یحضره الفقیه، صدوق (ابن بابویه)، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۳، ص ۴۴۱، ح ۴۵۳۱.

بی توجهی پدر و مادر به ایفای نقش خود در برابر فرزندان، باعث می‌شود آن‌ها نیز در برابر همسر و فرزندان خویش، روحیه سرد و بی‌توجه به نمایش گذارند. چنین افرادی نه تنها در تصمیمات یکدیگر مداخله نمی‌کنند؛ بلکه طرف مشورت نیز قرار نمی‌گیرند و اصولاً حاضر نیستند درباره‌ی مسئله‌ای که به عضوی از خانواده مربوط است، بیندیشند. آن‌ها از مسائل، بی‌توجه می‌گذرند و با یکدیگر احساس بیگانگی دارند.

خانواده‌ها باید خود را به طور مستقیم با ازدواج فرزندان درگیر کنند. آن‌ها باید بستر لازم برای آشنایی آن‌ها، تغذیه‌ی فکری برای انتخاب صحیح، بررسی و اولویت بندی شاخص‌های ازدواج و تحقیق برای دست‌یابی به ازدواج مناسب را برای آنان فراهم سازند و اجازه ندهند قبل از اینکه پختگی لازم برای انتخاب پدید آید، دختر و پسر با یکدیگر روابط مستقیم داشته باشند، چرا که حاصل این رابطه، چیزی جز حاکمیت احساسات بر منطق، شیدایی و دلدادگی و پذیرش غیر واقعی نیست.

بنابراین، برای دوری از تزلزل خانواده پدر و مادر باید مسائل فرزندان را مسئله خود بدانند و راحت و بی‌توجه از کنار آن رد نشوند. قرآن کریم وظیفه ازدواج و رسیدگی به نیازهای فرزندان را به عهده پدران و بزرگترها قرار داده و فرموده است: **وَ اتَّكُوا الْاٰیٰمٰی مِنْكُمْ وَ الصّٰلِحِیْنَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَائِكُمْ اِنْ یَكُوْنُوْا فُقَرَاۗءَ یُغْنِیْهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَ اللّٰهُ وَّاسِعٌ عَلِیْمٌ**.^۱ با دقت در ظاهر این آیه به خصوص در فعل امر «اتكوا» در می‌یابیم که وظیفه وصل جوانان و فراهم سازی زمینه ازدواج آنان بر عهده بزرگترهاست.

آگاهی پدر و مادر از تفاوت‌های جنسیتی و فردی فرزندان

یکی از عوامل مهم برای تربیت صحیح فرزندان، آشنایی والدین با تفاوت‌های آن‌ها و به ویژه تفاوت‌های دختر و پسر است. چنانچه این تفاوت‌ها تشخیص داده نشود و برای همه فرزندان شکل تربیتی یکسانی وجود داشته باشد، زمینه‌های تزلزل و ناپایداری در منزل و خانواده پدید می‌آید.

تفاوت دنیای پسران و دختران

دنیای پسران، استدلالی و دنیای دختران، احساسی و عاطفی است. پسران هنگام دشواری و فشار، دوست دارند به درون خود بروند و مشکلات را در عالم ذهن‌شان حل کنند؛ اما دختران وقتی دچار مشکل و

گرفتاری می‌شوند، دوست دارند حرف بزنند. بنابراین، پدر و مادر باید به آن‌ها فرصت دهند تا حرف‌شان را بزنند. آنان با حرف زدن صمیمی می‌شوند.

دختران به دلیل اینکه عاطفی‌تر و احساسی‌تر از پسران هستند، دوست دارند وقتی با گرفتاری و مشکل روبه‌رو می‌شوند، افزون بر حرف زدن، کسی را بیابند که سنگ صبورشان باشد و پسران نیز دوست دارند کسی خلوت آنان را برهم نزند. دختران بر اساس احساسی بودن، به خود حق می‌دهند که در مواردی اظهار ناراحتی کنند. بنابراین، والدین باید این حالت برخاسته از طبیعت آنان را تحمل کنند. این رفتار، صمیمیت میان آنان را افزایش می‌دهد.

پسران نمی‌توانند در یک زمان، هم حرف بزنند، هم احساس کنند و هم فکر کنند؛ ولی دختران قادر به انجام هر سه فعالیت هستند. به همین جهت، فکر نکنید اگر دختر شما صحبت می‌کند دیگر نمی‌تواند فکر کند. در مقابل، پسران به دلیل آن که نیازمند اعتماد، پذیرش، قدردانی، تحسین، تأیید و تشویق هستند، دوست دارند والدین به آن‌ها اعتماد کنند، آن‌ها را بپذیرند و تشویق و ترغیب‌شان کنند. پسران در جست و جوی آزادی و استقلال هستند. والدین در نحوه‌ی مواجهه با آنان، نباید با حربه‌هایی مستقیم و صریح، آنان را زیرسلطه‌ی خود در آورند و حس استقلال و آزادی آن‌ها را از بین ببرند.

توجه و تمرکز بر خوبی‌ها و نکات ارزنده‌ای که در دختران هست آنان را مظهر ناز می‌سازد. والدین باید مراقب باشند تا به آنان بی‌حرمتی نکنند توجه به خوبی‌ها و گذشت از لغزش‌ها، نوعی احترام به دختران به شمار می‌آید. گاه اجازه دهید فرزند شما احساس کند که برنده شده است. این احساس، ذره‌ای از بزرگی شما نمی‌کاهد؛ اما برای او این احساس را پدید می‌آورد که جایگاهی دارد.

دختران بیش از آنکه با تحلیل و تشخیص روابط علی و معلولی که کار فکری است، به نتیجه‌ای دست پیدا کنند، با حس شنوایی، بینایی و لامسه، احترام را درک می‌کنند. از گفتن عبارت‌های سرشار از عواطف، غفلت نکنید. فکر نکنید که رفتار ما به آن‌ها نشان می‌دهد که او را محترم شمردیم و او را دوست داریم.

اگر ما بتوانیم خود را جای فرزندانمان بگذاریم و از زاویه‌ی آنان به مسائل بنگریم، به گونه‌ی که نحوه‌ی تفکر و بینش او را درباره‌ی مسائل موجود در زندگی، عیناً درک کنیم؛ در چنین موقعیتی، رابطه‌ای نیکو به مفهوم عمیق آن، میان والدین و فرزندان پدید می‌آید.

آنچه به مثابه‌ی عارضه‌ی ناآشنایی با تفاوت‌های موجود میان دو جنس پدید می‌آید، ناشی از رفتارهای یک‌سان پدر و مادر در برابر فرزندان و پیدایش معضلات در زندگی است. در زندگی، پدر و مادر با فرزندان

متفاوتی روبه رو هستند. یکی بسیار منطقی و معقول، یکی بسیار حساس، یکی پر جنب و جوش، یکی کم رو و خجالتی و یکی بیش فعال است. از آنجا که پدر و مادرها، خود را برای مواجهه با این تفاوت‌ها آماده نمی‌بینند و انتظار دارند همه معقول، منطقی و آرام باشند، گاه برای رهایی از این مشکلات، به جای اینکه تفاوت‌ها را تشخیص دهند و متناسب با آن، زندگی را با تدبیر اداره کنند، به بی‌توجهی در برابر رفتار فرزندان رو می‌آورند. آن‌ها برای اینکه در زندگی دچار تنش، جر و بحث، جنگ اعصاب و ناراحتی نشوند، مسئولیت زندگی فرزندان را به دوش آنان می‌گذارند و خود از کنار آن‌ها رد می‌شوند. طبیعی است که با این کار، سردی و ناامیدی در زندگی افزایش می‌یابد.

اهمیت نقش پدر در تربیت فرزندان

از دیدگاه اسلام پدر دارای نقش ویژه و وظایف بسیاری در نهاد خانواده و در رابطه با تربیت فرزند می‌باشد. به طوری که حتی مادر، قادر به ایفای برخی از این وظایف نمی‌باشد. متأسفانه به دلیل فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی، نقش پدر در تربیت فرزند کم‌رنگ و تنها نقش اقتصادی پدر در خانه، بروز و ظهور دارد. در آیات قرآن کریم و نیز روایات بر نقش پدر در امر تربیت فرزند و آثار آن بسیار تأکید شده و وظایف تربیتی او به طور مشخص تبیین گردیده است. اهمیت جایگاه پدر از آنجا ناشی می‌شود که او در کلیه عواملی که در آینده فرزند و تکوین شخصیتش اثرگذارند، دارای نقش ویژه است. از نظر وراثت، فرزند صفات و ویژگی‌های جسمی، اخلاقی و روانی پدر را به ارث می‌برد. در اسلام پدر سرپرستی خانواده را به منظور رعایت مصالح آن برعهده دارد. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ»^۱ مرد سرپرست خانواده خود است و نسبت به زیر دستانش مسئول است. بنابراین در محیط خانواده، نیز تعیین نظام ارزشی حاکم بر خانه، تنظیم روابط اعضای آن، سازمان‌دهی و تقسیم وظایف، ایجاد هماهنگی و امنیت روانی، وابسته به پدر است. هم‌چنین در این محیط پدر از نظر فرزند، مظهر اقتدار و دانایی، قانون و حمایت به شمار می‌آید و نقش الگویی برای کودک دارد به طوری که بسیاری از رفتارهای پدر مستقیم و غیرمستقیم در وجود فرزند منعکس می‌شود. از دیدگاه اسلام، تربیت فرزند، پیش از تولد آغاز می‌گردد، بر این اساس، رعایت مواردی که زمینه ساز ایفای هر چه بهتر و مناسب‌تر وظایف تربیتی هستند در ارتباط با وظایف تربیتی پدر که

۱. حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۵.

برخی مربوط به دوره قبل از ازدواج و برخی مربوط به دوره قبل از ولادت فرزند و برخی مربوط به دوره بعد از ولادت فرزند هستند مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیش از تولد

الف. پیش از بارداری

۱. انتخاب همسر شایسته: از آنجا که مادر، از نظر وراثت و امور اخلاقی و تربیتی نقش ویژه در تکوین شخصیت فرزند دارد و بدان جهت که ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در امر تربیت فرزند از وظایف پدر به عنوان رئیس خانواده می‌باشد، عدم دقت در انتخاب همسر شایسته، ناهماهنگی و ناهمگونی والدین در تربیت را در پی خواهد داشت که منجر به اضطراب، تزلزل و دوگانگی شخصیت او خواهد شد. از این روست که مرد بایستی با توجه به الگوی انتخاب همسر که در اسلام ارائه شده است، نکاتی را رعایت نماید و با زنی ازدواج کند که: دیندار و با ایمان باشد^۱، داری خانواده متدین و نجیب باشد^۲، پاکدامن و صالح باشد^۳ و نیز از سلامت جسمی روانی و عقلی برخوردار باشد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۱).

امام باقر(ع): «أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ (ص) يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّكَ، وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق.).

امام باقر(ع) فرمودند: مردی نزد پیامبر(ص) آمد با ایشان درباره ازدواج مشورت کرد. پیامبر(ص) به او فرمود: « ازدواج کن و بر تو باد ازدواج با زن متدین. خداوند به تو خیر بدهد.

۲. آمادگی برای قبول مسئولیت پدر شدن: پدر شدن به معنای قبول امانت داری از هدیه الهی است و لذا مسئولیت‌های زیادی را در پی دارد که انجام آنها متوقف بردار بودن لیاقت‌ها و صلاحیت‌هایی است. موفقیت در این مسئولیت‌ها مستلزم آگاهی، فداکاری، مراقبت، اخلاق و تدبیر و معنویت است. از دیدگاه اسلام، رعایت مصالح خانواده بر عهده پدر است و در قبال آن‌ها پاسخ‌گو خواهد بود. پدر مسئول حفظ و صیانت خانواده از خطرات جسمی، اخلاقی و معنوی است.

۱. بقره / ۲۲۱

۲. همان

۳. نور / ۳

قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید» مسئولیت پدر بودن از یک سو و وظیفه‌ای دینی است چه آنکه دین، برگردن او برای فرزندان، حقوقی را قائل شده است و از سوی دیگر وظیفه‌ای اخلاقی نیز هست؛ زیرا پدر و مادر بودند که فرزند را پدید آوردند و حال باید به‌وجهی شایسته، از عهده حقوق او برآیند. پدر باید بداند که فرزند استمرار وجود او در آینده و ذخیره قیامت اوست. قرآن در این زمینه به اجر و مزدی که خداوند در برابر تربیت صحیح فرزند قرار داده است^۲ اشاره نموده و فرزند با تربیت صحیح به عنوان باقیات و صالحات^۳ معرفی می‌کند.

با عنایت ویژه به مسئولیت پدری، امام سجاده (ع) می‌فرماید: «حق فرزند این است که بدانی او از توست و خیر و شرش در دنیا به تو متسبب است، تو مسئول ادب خوب و تربیت نیکویش هستی... پس در تربیت او به مانند آن کسی عمل کن که می‌داند اگر درباره فرزند احسان کند پاداش می‌برد و اگر درباره‌اش بدی نماید معاقب و مورد کیفر خواهد بود» (حرانی، ۱۳۶۳). از این رو باید قبلاً برای قبول این مسئولیت‌ها و کسب لیاقت‌ها آماده تجهیز شد. هم چنین باید به ارزیابی توانایی‌ها خود و همسرش در ارتباط با این مسئولیت‌ها مبادرت کند و در صدد رفع ضعف برآید.

۳. شرایط انعقاد نطفه: کیفیت انعقاد نطفه و شرایط زمانی و مکانی و حالات روانی پدر و مادر بر روی نطفه و آینده کودک آثار و عوارض مثبت یا منفی دارد، از این رو در روایات و متون دینی توصیه‌هایی در ارتباط با انعقاد نطفه مورد تأکید قرار گرفته‌اند، مانند یاد و نام خدا، دعا کردن و همسر را امانت الهی دانستن و درخواست فرزند صالح، آمادگی روحی و روانی برای روابط زناشویی، برخی دیگر جهت پیشگیری از زمینه‌های نامناسب تحت عنوان حرام یا مکروه مطرح شده‌اند. قرآن در این زمینه سخن از اشتراک شیطان در انعقاد نطفه با کسانی که خدا را فراموش نموده و یا از تحت ولایت خدا خارج شده‌اند به میان آورده و می‌فرماید: وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْنَهُمْ وَمَا يَعْلَمُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا عُرُورًا^۴.

۱. تحریم / ۶۰.

۲. انفال / ۲۸.

۳. کهف / ۴۶.

۴. ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۳۳، و نیز ر.ک: کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۷۳.

۵. اسراء / ۶۴.

ب. دوران بارداری

رحم مادر اولین محیط پرورش فرزند است و کوچکترین غفلت و سهل انگاری در دوران جنینی بسیاری از نابه‌هنجاری‌های عقلانی، روانی و جسمی را برای کودک در پی خواهد داشت. در احادیث از این دوره به عنوان مرحله‌ای که سعادت و شقاوت فرزند رقم می‌خورد یاد شده است.^۱

بعد از تولد

۱. دوران نوزادی

زمانی که فرزند به خانواده قدم می‌گذارد. از وظیفه‌های مهم پدر، قبول فرزند و نوزاد و بر عهده گرفتن حضانت او است. «مِنْ حَقِّقِ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ لَا يُنْكِرَ نَسَبَهُ»؛ از حقوق فرزند بر پدر آن است که نسبش را انکار ننماید (متقی هندی، ۱۳۹۷ق.). پدر نه تنها موظف است که خود محافظ خوبی برای امانت الهی خویش باشد؛ بلکه باید بکوشد که او را از هر گونه گزند و آسیب دور نگه دارد. هر گونه مسامحه در حفظ سلامتی فرزندان، تجاوز به حق امنیت آنان و از نظر عقل و شرع مردود است. نوزاد علاوه بر اینکه حق حیات دارد، حق بهره‌مندی از امکانات زیستی سالم و کافی را نیز داراست و باید در آسایش و آرامش قرار گیرد. حضور مادر، عامل عمده در احساس امنیت نوزاد است. پدر نباید تحت هیچ شرایطی مادر و نوزاد را از هم دور نگه دارد. همچنین از دیگر وظایف مهم پدر برابر فرزند نوزاد خود، مشخص نمودن تابعیت فرزند و انتخاب نام نیکو برای اوست. همچنین شایسته است پس از ولادت به گوش نوزاد اذان و اقامه گفته و آوای روح بخش الهی را در اولین لحظات ورود او به زندگی طنین اندازند و در صورت وضعیت مالی مناسب نوزاد را عقیقه کند، موی سر نوزاد را بترشد و مواد مفید غذایی را برای مادر تهیه کند تا شیردهی مناسبی داشته باشد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۱).

۲. دوران کودکی

کودک از آغاز طفولیت، تحت تأثیر عوامل گوناگون محیط اطراف خود قرار می‌گیرد. نقش پذیری کودک از محیط به اندازه‌ای است که می‌تواند از رشد برخی صفات ارثی جلوگیری کند و زمینه پرورش صفات دیگری را پدید آورد و آن‌ها را جایگزین صفات ارثی نماید. پدر باید در خانه که نخستین محیط

۱. ر. ک. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۳۴.

تربیتی و مهم ترین کانون پرورش استعداد های فطری کودک است، فرزند را با دین آشنا سازد و او را با آداب اسلامی پرورش دهند و با اخلاق، رفتار و گفتار خویش محیطی مناسب و مطلوب برای کودک به وجود آورد. پدر باید از بد آموزی های رفتاری و گفتاری پرهیز نماید و اگر دچار ناهنجاری تربیتی می باشد، خود را اصلاح سازد.^۱

۳. دوران نوجوانی

در این برهه ی سنی فرزندان نیازمند آشنایی دقیق با دین و عقاید هستند و هم چنین در این بازه ی زمانی به سن تکلیف می رسند. پدر علاوه بر اینکه باید به رفاه جسمی و امنیت فرزند بپردازد نباید از جنبه ی دینی و مذهبی فرزندان دور شود؛ لذا بجاست که پدر با عطف و مهربانی فرزندان خود را به عبادت و دستورات اسلامی آشنا نماید. بهترین شیوه این است که هنگام رسیدن فرزندان به سن تکلیف برای آنها جشن تکلیف بگیرند تا فرزندان برای پذیرفتن این دستورات ترغیب شوند.

۴. دوران جوانی

حساس ترین دوره ی زندگی فرزندان، دوره ی جوانی است. در این دوره، رعایت حقوق فرزندان نیز حساس تر می شود. پدر باید به شخصیت و افکار فرزند خویش بها داده، در امور خانواده با وی مشورت نماید. از ویژگی های دوره ی جوانی آزادی خواهی و استقلال طلبی می باشد. در کنار رعایت این حق، باید به طور مداوم مراقبت از جوان انجام پذیرد به ویژه باید مراقب بود که اعتقادات دینی آنان از هر انحراف و خطایی دور بماند. مشی عاقلانه و روش حکیمانه پدر و مادر در پرورش فرزندان پایه اساسی سعادت و خوشبختی آنان است (فلسفی، ۱۳۸۷). هم چنین پدران وظیفه دارند که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی حامی جوان بوده و برای فرزندان جوان خود آینده شغلی مناسب در نظر بگیرد یا آنها را برای رسیدن به شغلی که دوست دارند یاری کند.^۲

۱. رک: فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۲. رک: به وظائف تربیتی خانواده از دیدگاه روان شناسی اسلامی، ص ۱۴۷.

با توجه به داستان حضرت یوسف علیه السلام^۱ پدر بایسته است که در بین فرزندان به گونه‌ای رفتار نماید که حسادت را بین فرزندان خود ایجاد نکند و از منظره به فرزندان خود و در نتیجه به خود و خانواده ضربه نزند.

نتیجه‌گیری

خانواده، یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن مانند یک اجتماع بزرگ، نیازمند مدیریت و رهبری واحد است؛ زیرا مدیریت جمعی‌ای که زن و مرد در آن مشترک باشند بی‌معناست و حتماً خانواده به هرج و مرج، عدم تفاهم و درگیری می‌انجامد. از این رو یکی از مرد یا زن باید مدیر و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. چون در خانواده هر دو جنس حضور دارند و تفاوت‌های جنسیتی در بروز اختلاف نظر میان زن و شوهر بسیار مؤثر است و انتظار حل همه اختلافات زناشویی از طریق گفتگوی برابر، انتظار غیرواقع بینانه‌ای است، از این جهت قرآن کریم و روایات در این جا تصریح می‌کنند که مدیریت خانواده با توجه به دلایلی که گذشت به عهده پدر خانواده می‌باشد و این مقام و برتری ظاهری تنها برای حفظ انسجام و کارآمدی خانواده است و فضیلت واقعی را برای مرد به بار نمی‌آورد چرا که زن و مرد از حیث ارزشهای انسانی و الهی یکسانند^۲ و فضیلت حقیقی بر معیار تقوا و عمل صالح است.^۳

برخی مردان جامعه امروزی بر اساس فساد اخلاق، ضعف علمی و دینی و نداشتن مهارت‌های زندگی، با تصمیم‌های خام و اقدامات نسنجیده، کانون خانواده را به پرتگاه تباهی و سقوط می‌کشاند. این گونه افراد نباید مطالبی را که گفته شد، ابزاری برای زورگویی و اعمال سلطنت خویش تلقی کنند؛ بلکه لازمه ولایت و مدیریت پدران در خانواده این است که اعضا از گوهر ایمان، سلامت اخلاق و هنر زندگی و نیز از توانایی‌های مدیر خانواده برخوردار گردند تا بتوانند خانواده را به رشد و کمال ایمانی و اخلاقی برسانند.

۱. یوسف / ۵

۲. آل عمران / ۱۹۵ و (نساء / ۱۲۴) و (نحل / ۹۷)

۳. حجرات / ۱۳.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
آقایروز، علی و همکاران (۱۳۹۲). مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۹ق.). شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق.). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت، چاپ، دوم.
ابن مغزلی، علی بن محمد (۴۲۴ق.). مناقب امام علی بن ابی طالب (ع). بیروت: دارالاضواء.
ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۶). روض الجنان وروح الجنان فی تفسیرالقرآن. قم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
اسماعیلی، حمید (۱۳۸۲). والدین و تربیت نسل جوان، طلوع مهر.
اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم: مؤسسه عرفان و اشراق.
_____ (۱۳۹۶). فقه تربیتی (فقه عبادی) قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
انصاری، قدرت الله (۱۳۹۴). وسوعة احکام الاطفال و ادلتها. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
العطار، داود (۱۴۱۵ق. = ۱۹۹۵م.). موجز علوم القرآن. بیروت: مؤسسه اعلمی.
باقری، خسرو (۱۳۸۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه، چاپ نهم.
باقری، خسرو (۱۳۸۰). «پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران».

- بحرانی سید هاشم (۱۴۱۶ق.). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعۀ، ناشر: انتشارات فرهنگ سبز.
- بروس، کوئن (بی تا). درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن. بی جا.
- بستانی، فواد افرام و مهیار، رضا (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی.
- بلاغی نجفی، محمد جواد، (۱۴۲۰ق.). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
- بهشتی، سید محمد حسین (۱۳۸۶). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: تبعه.
- پطرس، فرماج. (۱۴۰۴ق. = ۱۸۸۲م.) ایضاح التعلیم المسیحی، مطبعه الابهاء المرسلین الیسوعیین.
- پورشافعی، هادی (۱۳۹۳). نگرشی بر مدیریت اسلامی. نشر آوای نور.
- ترکشوند، جواد؛ مظاهری تهرانی، محمدعلی و پسندیده، عباس. (۱۳۹۲). الگوی اسلامی سلسله مراتب در خانواده با رویکرد روانشناختی. علوم حدیث (۷۰)، ۱۸-۱۰۳-۷۹.
- جزائری، نعمت الله (۱۳۸۱). قصص الأنبياء (قصص قرآن). تهران: انتشارات فرحان.
- جعفری، یعقوب (بی تا). تفسیر کوثر، بی جا.
- جلال الدین سیوطی (۱۴۱۶ق.). تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). منتهی الارب فی لغه العرب. تهران: دانشگاه تهران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.). وسائل الشیعۀ. قم: مؤسسه آل البيت.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق.). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- حسنی مرعشی، سید نورالله (۱۴۰۹ق.). احقاق الحق. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۸۵). معارف و معاریف. [قم:؟] نشر آرا.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق.). تاج العروس. بیروت: دارالفکر.
- حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۶). بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- خوارزمی (بی تا). المؤید الموفق بن المالکی، در مقتل الحسین (ع). قم: انوار الهدی.
- داوودی، محمد (۱۳۸۴). سیره تربیتی پیامبر و اهلبیت (ع) تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دژکام، علی (۱۳۸۴). تفکر فلسفی غرب. قم: نشر معارف.
- دینوری، ابن قتیبه (بی تا). عیون الاخبار. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق.). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق.). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار القلم.
- رحمانی، امیر (۱۳۹۱). بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رکنی یزدی، محمد مهدی (۱۳۷۹). آشنایی با علوم قرآنی. مشهد: آستان قدس.
- زارعی توپخانه، محمد و همکاران (۱۳۹۲). رابطه ساختار قدرت پدرمحور در خانواده اصلی فرد با کارآمدی خانواده، مطالعات اسلام و روانشناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زر شناس، شهریار (۱۳۸۲). واژه نامه فرهنگی، سیاسی. [تهران؟] ناشر کتاب صبح.
- زنجانی عمید، عباسعلی، (بی تا). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سالاری فر، محمد رضا (۱۳۸۵). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق.). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ستیر، ویرجینیا (۱۳۹۱). آدم سازی. ترجمه بهروز بیرشک. تهران: نشر رشد.
- سعیدیان، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- سعیدیان، فاطمه، بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد.
- سکری سرور، محمد (بی تا). نظام الزواج فی الشرایع الیهودیة و المسیحیة. دارالفکر العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق.). الدرالمشور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق.). فی ظلال القرآن. قاهره و بیروت: دارالشروق.
- شرفی، محمد رضا (بی تا). خانواده متعادل، آناتومی خانواده، بی جا.
- شفیعی مازندرانی، محمد (۱۳۹۱). وظائف تربیتی خانواده از دیدگاه روانشناسی اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۹ق.). منیه المرید، مصحح، مختاری، رضا. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن. قم: فرهنگ اسلامی.
- صانعی، صفدر (۱۳۶۹). بهداشت ازدواج از نظر اسلام. [تهران]: نشر گلی.
- صدوق، محمد بن علی بابویه القمی (۱۳۶۷). من لایحضره فقیه، قم جامعه مدرسین.
- صفار، محمد بن حسن (بی تا). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). [قم؟]: مکتبه آیه الله المرعشی نجفی.

- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). معجم الکبیر. بیروت: دارالعلمیه.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹). مشکاة الأنوار، ترجمه هوشمند و محمدی. قم: دار التقلین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق.). مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق.). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ظهیری، هوشنگ و فتحی، سروش (۱۳۸۹). مدیریت خانواده در نظریه های جامعه شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبایی، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۸.
- عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق.). تفسیر نورالتقلین. قم: اسماعیلیان قم.
- عسکریان، مصطفی (بی تا). سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، چاپ دوم.
- غلامی، یوسف علی (۱۳۸۸). اخلاق و رفتارهای جنسی. قم: دفتر نشر معارف.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا). روضه الواعظین، بی جا.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۸). تربیت برتر، آنچه والدین و معلمان باید بدانند. قم: بوستان کتاب.
- فریود، زیگموند (بی تا). اصول روانکاوی بالینی. تهران؟: نشر ققنوس.
- فقیهی، علی نقی (بی تا). تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، بی جا.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۸۷). کودک از نظر وراثت و تربیت. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق.). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
- قائم امیری، علی (۱۳۷۹). حدود آزادی در تربیت. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- کارل، آلکسی (۱۳۸۹). انسان موجودی ناشناخته. تهران: به آفرین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.). الکاف. تهران: دار الکتب الإسلامیه. چاپ: چهارم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). حقوق مدنی، خانواده. تهران: میزان.
- کدیور، پروین (۱۳۸۲). روان شناسی تربیتی. تهران؟: انتشارات سمت.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی. تهران: دانشگاه تهران.

- گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم (۱۳۹۳). مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه. تهران: برگا.
- لمبروزو، فرهروجینا (۱۳۶۹). روح زن. برگردان پری حسام شه‌رئیس. تهران: نشر دانش.
- متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷ق.). کنز العمال. بیروت: مکتبه‌الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق.). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ، دوم.
- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۱). سیره چهارده معصوم (ع). تهران، چاپ چهارم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
- _____ (۱۴۲۲ق.). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
- مدرسی، هادی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق.). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق.). الإرشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۲۵ق.). کنز العرفان. قم: انتشارات مرتضوی.
- امامی، محمدجعفر (۱۳۸۷). لغات در تفسیر نمونه، قم: نشر امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موریس کرنستون (بی تا). تحلیلی نوین از آزادگی، ترجمه جلال‌الدین اعلم، بی جا.
- مولند، اینار (۱۳۸۱). جهان مسیحیت. ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: امیرکبیر.
- میلااره، گاستون (۱۳۷۵). معنا و حدود علوم تربیتی. مترجم: علی محمدکاردان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میر عظیمی، جعفر (۱۳۷۴). حقوق والدین، چاپ سوّم، قم: رسالت.
- نراقی، مهدی (بی تا). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات.
- نوابی نژاد، شکوه (بی تا). مشاوره‌ی ازدواج و خانواده درمانی، بی جا.
- نوری، میرزاحسین (۱۴۱۴ق.). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البتی لاحیاء التراث.
- نیشابوری حاکم (بی تا). الحافظ ابی عبد الله المستدرک علی الصحیحین. بیروت: المکتبه‌العصریه.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده. برگردان معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.